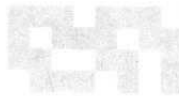


۷۲۷۷۷۷۷۷
۱۰۲۱۷۷۷۷
۱۰۲۱۷۷۷۷



وزارت آموزش و پرورش
جمهوری اسلامی ایران

این سند به منظور تعیین و اعلام شرایط و ضوابط برگزاری آزمون ورودی مدارس تیزهوشان و مدارس نمونه دولتی در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۸ تدوین شده است. این آزمون در دو مرحله برگزار خواهد شد. در مرحله اول، آزمون هوش و استعداد تحصیلی برگزار می‌گردد و در مرحله دوم، آزمون تخصصی در رشته‌های مختلف برگزار خواهد شد. این آزمون برای دانش‌آموزان پایه نهم و دهم برگزار می‌گردد. برای اطلاع بیشتر از شرایط و ضوابط، به وبسایت وزارت آموزش و پرورش مراجعه کنید.

مهارت‌های دوره دوم سالاری کلیه

بر اساس دیدگاه‌های امام خمینی (ره) و قانون اساسی
پروژه‌های



مرکز پژوهش‌های
فرهنگی و اجتماعی

- مهار قدرت در مردم سالاری دینی (بر اساس دیدگاه‌های امام خمینی ره و قانون اساسی)
- مؤلف: پرویز امینی ● ناشر: مرکز مطالعات و انتشارات آفتاب توسعه
- مجری: مرکز پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی (صدرا)
- طراح جلد: سید ایمان نوری نجفی ● چاپ اول: ۱۳۸۸ ● شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه
- لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه مجمع جهانی اهل بیت (ع)
- شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۸۶۷-۱۸-۴ ۹۷۸-۹۶۴-۷۸۶۷-۱۸-۴ ۹۷۸-۹۶۴-۷۸۶۷-۱۸-۴
- قیمت: ۳۰۰۰ تومان ● حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

سرشناسه: امینی، پرویز، ۱۳۵۶

عنوان و نام پدیدآور: مهار قدرت در مردم سالاری دینی (بر اساس دیدگاه‌های امام خمینی ره و قانون اساسی) / پرویز امینی.

مشخصات نشر: تهران: آفتاب توسعه، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۲۲۴ ص. شابک: ۳۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۷۸۶۷-۱۸-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیا یادداشت: نمایه یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: خمینی، روح الله رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹-۱۳۶۸ - - نظریه

درباره دموکراسی

موضوع: خمینی، روح الله رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹-۱۳۶۸ - - نظریه

درباره مردم (حقوق اساسی) موضوع: اسلام و دموکراسی

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۲

DSR ۱۵۷۴/۵/د ۸ الف ۸۱۳۸۸

شماره کتابشناسی ملی: ۱۷۸۲۳۰۵

فهرست

۱۱	پیشگفتار.....
۱۲	«جمهوری اسلامی ایران» نقطه عطف «مردم‌سالاری دینی».....
۱۵	مروری بر برخی دیدگاه‌ها و مناقشه‌ها درباره مردم‌سالاری دینی.....
۱۸	مفروض‌ها، روش و سازماندهی تحقیق.....
۲۱	فصل اول: چارچوب مفهومی.....
۲۳	مقدمه فصل اول.....
۲۵	بخش اول: مؤلفه‌های پایه در مردم‌سالاری دینی.....
۲۵	۱. دموکراسی یا مردم‌سالاری.....
۲۶	برخی مبانی و لوازم مردم‌سالاری در اندیشه اسلامی.....
۲۶	۱. جایگاه ارزنده کرامت و حقوق انسان.....
۲۹	۲. اهمیت حقوق مردم.....
۳۰	۳. مشارکت سیاسی.....
۳۲	۴. آزادی و نفی استبداد.....
۳۴	مروری اجمالی بر دیدگاه برخی متفکران مسلمان.....
۳۴	دیدگاه علامه نائینی.....
۳۵	دیدگاه سید حسن مدرس.....
۳۵	دیدگاه آیت‌الله کاشانی.....

- دیدگاه اجمالی امام خمینی (ره)..... ۳۷
- چالش‌های مفهومی مردم‌سالاری در ارتباط با مردم‌سالاری دینی..... ۳۸
- الف. مردم‌سالاری یک مفهوم واحد است و دینی و غیر دینی ندارد..... ۳۹
- تعریف و انواع دموکراسی..... ۳۹
۲. مفهوم دین..... ۴۹
- جایگاه دین در تنظیم زندگی اجتماعی و سیاسی..... ۵۰
- الف. گرایش سکولار (اسلام غیر سیاسی)..... ۵۰
- ب. گرایش دین‌مدارانه (اسلام سیاسی)..... ۵۶
۳. مفهوم مشروعیت..... ۶۰
- برخی تعریف‌ها از مشروعیت..... ۶۱
- مشروعیت سیاسی - جامعه‌شناختی و مشروعیت فلسفی..... ۶۳
- مشروعیت حکومت یا مشروعیت حاکم؟..... ۶۴
- دیدگاه نخست: مشروعیت از راه طبیعت، غلبه و قهر..... ۶۶
- دیدگاه دوم: مشروعیت مردمی..... ۶۷
- دیدگاه سوم: مشروعیت الهی..... ۷۰
- دیدگاه چهارم: مشروعیت الهی - مردمی..... ۷۵
- جمع‌بندی بحث مشروعیت..... ۷۸
- الف. مؤلفه‌های پایه (نظری)..... ۷۹
- بخش دوم: شاخص‌های مردم‌سالاری دینی..... ۸۱**
۱. در مردم‌سالاری دینی بر چه کسانی حکومت می‌شود؟..... ۸۲
۲. در مردم‌سالاری دینی چگونه حکومت می‌شود؟..... ۸۵
- قانون الهی..... ۸۶
- نظارت و کنترل مردم..... ۸۷
۳. در مردم‌سالاری دینی چه کسانی حکومت می‌کنند؟..... ۸۸
- علم به قانون و داشتن عدالت..... ۸۹
- پذیرش و انتخاب از سوی مردم..... ۹۱

ب. شاخص‌ها (عینی)..... ۹۲

فصل دوم: مهار قدرت در مردم‌سالاری دینی..... ۹۵

مقدمه فصل دوم..... ۹۷

چرا قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؟..... ۹۸

بخش اول: ضرورت مهار قدرت در مردم‌سالاری دینی..... ۱۰۱

۱. ماهیت قدرت..... ۱۰۲

قدرت مشروع؛ قدرت نامشروع..... ۱۰۵

مقایسه اجمالی دیدگاه‌های مذکور درباره قدرت..... ۱۰۷

۲. مسئولیت اجتماعی انسان مسلمان..... ۱۱۱

مهار قدرت در متون دینی..... ۱۱۳

بخش دوم..... ۱۱۷

مشارکت در قدرت سیاسی (انتخابات)..... ۱۱۷

مفهوم مشارکت سیاسی..... ۱۱۷

رابطه مشارکت در قدرت سیاسی (انتخابات) و مهار قدرت..... ۱۱۹

۱. تأسیس قدرت سیاسی..... ۱۱۹

۲. باز تولید مشروعیت سیاسی..... ۱۲۰

۳. غیر دائمی شدن قدرت و چرخش نخبگان در فرایند انتخابات..... ۱۲۰

۴. پاسخ‌گو شدن حاکمان با انتخابات..... ۱۲۲

الف. مشارکت در قدرت سیاسی (انتخابات) در دیدگاه امام خمینی رحمه الله..... ۱۲۲

۱. آزادی انتخاب..... ۱۲۴

۲. اعتماد به رأی مردم و اعتبار آن..... ۱۲۵

۳. همگانی بودن و نفی انحصار فردی و گروهی در انتخابات..... ۱۲۷

۴. انتخابات هم حق و هم تکلیف..... ۱۲۹

ب. مشارکت در قدرت (انتخابات) در قانون اساسی..... ۱۳۰

۱. پهنآوری..... ۱۳۱

۲. ژرفای دموکراسی ۱۳۵
۳. برد دموکراسی ۱۳۷
- همه پرسی جمهوری اسلامی ۱۳۸
- انتخاب قانون اساسی ۱۳۹
- شوراهای شهر و روستا ۱۴۰
- مجلس شورای اسلامی ۱۴۱
- ریاست جمهوری ۱۴۱
- رهبری ۱۴۱
- چالش های انتخاب رهبر در جمهوری اسلامی ۱۴۲
- الف. انتخاب غیر مستقیم رهبری از تأثیر گزاری مردم می کاهد ۱۴۲
- ب. با وجود دور در انتخاب رهبری، نقش مردم در انتخاب رهبری بی معنا است. ۱۴۴
- ج. مطابق برخی قرائت ها از نظریه ولایت فقیه (نصب)، مردم در انتخاب رهبر جایگاهی ندارند ۱۴۷
- سازوکار انتخاب رهبری در مجلس خبرگان ۱۵۱
- بخش سوم: توزیع قدرت در مردم سالاری دینی ۱۵۳**
- توزیع قدرت و تفکیک قوا ۱۵۳
- ابعاد توزیع قدرت و تفکیک قوا ۱۵۵
- توزیع قدرت در دیدگاه امام خمینی علیه السلام ۱۵۶
- توزیع قدرت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ۱۶۰
- چالش های تفکیک قوا و توزیع قدرت در قانون اساسی ۱۶۱
- چالش عبارت مطلقه درباره ولایت فقیه و برخی پاسخ ها ۱۶۲
- تحلیل الگوی تفکیک قوا در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۶۸
۱. ولایت مطلقه فقیه قوه تعدیل کننده ۱۶۸
۲. الگوی تفکیک قوا بر اساس منابع قدرت در جمهوری اسلامی ۱۶۹
- الف. قوای سه گانه سطح اول قدرت ۱۷۱
- ب. ولایت مطلقه امر و رهبری جمهوری اسلامی سطح دوم قدرت ۱۷۱
- ج. مجلس خبرگان رهبری سطح سوم قدرت ۱۷۳

۱۷۳.....	ویژگی‌های مجلس خبرگان.....
۱۷۳.....	اختیارات مجلس خبرگان.....
۱۷۵.....	بخش چهارم: نقد و نظارت بر قدرت در مردم‌سالاری دینی.....
۱۷۵.....	نقد و کارویژه‌های نقد پذیری.....
۱۷۶.....	پیش‌شرط‌های نقد و نظارت بر قدرت.....
۱۷۷.....	۱. اعتقاد به اصول و مبانی فکری نظم سیاسی موجود (مشروع دانستن قدرت).....
۱۷۷.....	۲. اصلاح‌پذیری سیستم.....
۱۷۸.....	مبانی مشروعیت و ضرورت نقد.....
۱۷۸.....	۱. پذیرش امکان لغزش و خطا در حاکمان.....
۱۷۹.....	۲. آزادی بیان.....
۱۸۲.....	۳. مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی حاکمان.....
۱۸۶.....	نقد و نظارت بر قدرت در قانون اساسی.....
۱۸۶.....	۱. نقد و نظارت عمومی.....
۱۸۷.....	۲. نقد و نظارت نهادی.....
۱۸۸.....	الف. مجلس شورای اسلامی.....
۱۹۰.....	ب. قوه قضائیه.....
۱۹۰.....	۱. نظارت مالی.....
۱۹۰.....	۲. تظلم‌خواهی مردم از دستگاه‌های اداری.....
۱۹۱.....	۳. نظارت بر حسن اجرای قوانین.....
۱۹۱.....	ج. مجلس خبرگان رهبری.....
۱۹۵.....	بخش پنجم: عزل از قدرت در مردم‌سالاری دینی.....
۱۹۵.....	جایگاه عزل از قدرت در مردم‌سالاری دینی.....
۱۹۹.....	عزل از قدرت در قانون اساسی.....
۲۰۰.....	عزل رهبری.....

جمع بندی و نتیجه گیری نهایی ۲۰۳

جمع بندی فصل اول ۲۰۳

جمع بندی فصل دوم ۲۰۶

کتابنامه ۲۱۱

کتاب ها ۲۱۱

مقالات ۲۱۵

فهرست آیات و روایات ۲۱۷

فهرست آیات ۲۱۷

فهرست روایات ۲۱۹

نمایه ۲۲۱

پیشگفتار

پرسش از نوع رابطه مردم با حکومت، از سئوالات بنیادین در اندیشه سیاسی است. در واقع بخش زیادی از متون موجود درباره دانش سیاسی در رشته‌های گوناگون آن مانند فلسفه سیاست و جامعه‌شناسی سیاسی، محصول پاسخ‌گویی دانشوران و متفکران قدیم و جدید به این پرسش اساسی است.

طبقه‌بندی حکومت‌ها و نظام‌های سیاسی با ادبیات و خصلت سنجی‌های گوناگون نیز، از این پرسش مهم متأثر است. به‌طوری که در برخی تقسیم‌بندی‌ها، از حکومت‌های توتالیتار، اقتدارگرا و دموکراتیک بر همین اساس سخن به میان آمده است. بسیاری از آثار فیلسوفان و اندیشمندان نیز در اطراف این پرسش که مناسبت‌ها بین مردم و حاکمان در نظام‌های سیاسی چگونه است یا چگونه باید باشد؟ به رشته تحریر در آمده است.

این پرسش در جهان اسلام به‌خصوص پس از آشنایی و مواجهه مسلمانان با تحولات دنیای غرب در سده‌های اخیر و پی بردن به عمق عقب‌ماندگی‌های علمی و تکنولوژیک خود در مقایسه با پیشرفت و توسعه دولت‌های غربی، بیش از هر زمان دیگری ذهن و فکر متفکران مسلمان را متوجه نظم سیاسی حاکم بر کشورهای اسلامی و نوع رابطه مردم و حکومت کرده است و جریان‌های فکری و سیاسی گوناگونی با توجه به این مسئله در سطح دنیای اسلام بوجود آمد.

سید جمال‌الدین اسدآبادی از پیشگامان جریان اصلاح‌طلبی دینی، استبداد

حاکم بر سرزمین‌های اسلامی را در کنار مسئله استعمار خارجی یکی از مهم‌ترین دلایل انحطاط و عقب‌ماندگی مسلمانان می‌دانست و *عبدالرحمن کوکبی* مهم‌ترین عامل زوال جوامع اسلامی را استبداد معرفی می‌کرد. *محمد رشید رضا* از دیگر کسانی بود که در پاسخ به مسئله انحطاط و عقب‌ماندگی مسلمانان به تکاپوی فکری درباره نظام سیاسی اسلام پرداخت و تبدیل خلافت به سلطنت را انحراف از خلافت آرمانی بعد از دوران خلفای راشدین دانسته و تلاش کرد با تأکید بر اصل مشورت و شورا در بین حکومت‌کنندگان و حکومت‌شوندگان بین دموکراسی و اسلام تلائم ایجاد کند.

در یک صد سال گذشته، بسیاری از متفکران و اندیشمندان مسلمان ایرانی نیز در پاسخ به پرسش زوال و عقب‌ماندگی ایران، تلاش ذهنی و فکری خود را به مسئله چگونگی رابطه مردم و حکومت معطوف ساخته‌اند. مشروطیت یکی از مهم‌ترین تجلی‌گاه‌های تاریخی و مهم اندیشه‌ورزی در این باره است. آثار ارزشمندی مانند *تنبيه الامه و تنزيه المله* علامه *نائینی* به طرح رابطه مردم و حکومت از منظر اندیشه سیاسی اسلام پرداخته است. وقوع انقلاب اسلامی و تأسیس جمهوری اسلامی در ایران در دهه‌های پایانی قرن بیستم را می‌توان نقطه عطف مهمی در شکل‌گیری مباحث مربوط به مناسبت‌های مردم و حکومت در تفکر سیاسی اسلامی و به خصوص شیعی دانست.

«جمهوری اسلامی ایران» نقطه عطف «مردم‌سالاری دینی»

پیروزی انقلاب اسلامی ایران علاوه بر این که مناسبت‌های قدرت و سیاست در کشور را دچار تحوّل و دگرگونی کرد، با برخی مفهوم‌سازی‌های جدید، عرصه‌ای تازه در مباحث تئوریک و نظری گشود و ذهن و فکر صاحبان خرد و اندیشه را، با پرسش‌های نوینی روبه‌رو ساخت.

گفتمان «مردم‌سالاری دینی»، به‌عنوان گفتمان مسلط در نظام سیاسی پس از انقلاب اسلامی، در مقایسه با نمونه‌های دیگر دموکراسی مانند لیبرال دموکراسی، مدعی تنظیم روابط جدیدی در نسبت بین مردم و حاکمان است.

ایده مردم‌سالاری دینی، طی سه دهه گذشته از زوایای گوناگون مورد چالش قرار گرفته و پرسش‌های فراوانی در اطراف آن از سوی موافقان و مخالفان به صحنه اندیشه و فکر، ورود پیدا کرده است.

آبشخور اصلی این چالش‌ها و پرسش‌ها، سنت‌شکنی مفهومی انقلاب اسلامی در نسبت بین «دین با سیاست و حکومت» و دیگری «رابطه حکومت دینی با مردم» می‌باشد. چرا که نظام‌های سیاسی دنیا با بافت ایدئولوژیکی متفاوت نسبت به یکدیگر، تقریباً در یک ویژگی مشترک بودند؛ هیچ کدام از این نظام‌های سیاسی و مناسبت‌های حکومتی آن‌ها بر پایه دین تعریف نشده بود. بنابراین یا ماهیت ضد دینی یا دست کم غیر دینی و مذهبی داشتند. علاوه بر این، نظم سیاسی جدید به نام مردم‌سالاری دینی بر ارزش دیگری به نام دموکراسی یا مردم‌سالاری نیز تأکید داشت که خود حجم مناقشه‌های نظری و جدال‌های فکری را افزایش می‌داد.

امام خمینی ره، به عنوان ایدئولوگ و رهبر فکری و سیاسی انقلاب اسلامی، با توجه به مناقشات فراوان پیرامون مفهوم «جمهوری اسلامی» در فرصت‌های گوناگون، به تبیین و تشریح ابعاد و ماهیت مفهومی آن می‌پرداختند. ایشان، حکومت اسلامی را حکومت مبتنی بر عدل و دموکراسی و متکی بر قواعد و قوانین اسلامی معرفی می‌کردند.^۱ همچنین تأکید داشتند که در اسلام دموکراسی مندرج است.^۲ و دموکراسی اسلام کامل‌تر از دموکراسی غربی است.^۳ امام ره درباره رابطه اسلام با جمهوری یا دموکراسی فرمودند که جمهوری، فرم و شکل حکومت را تشکیل می‌دهد و اسلام، محتوای آن را که همان قوانین الهی است:

جمهوری به همان معنایی که همه جا جمهوری است لکن این جمهوری بر یک قانون اساسی متکی است که قانون اسلام می‌باشد؛^۴

۱. صحیفه نور، ج ۳، ص ۲۸۶.

۲. همان، ج ۴، ص ۲۳۴.

۳. همان، ج ۳، ص ۱۳.

۴. همان، ص ۱۴۵.

و یا:

جمهوری فرم و شکل حکومت را تشکیل می‌دهد و اسلامی؛ یعنی محتوای آن فرم که قوانین الهی است.^۱

شهید مطهری نیز، به عنوان یکی از شاخص‌ترین نظریه‌پردازان انقلاب اسلامی با ردّ دموکراسی غربی، از دموکراسی اسلامی دفاع می‌کردند. ایشان معتقد بودند در جمهوری اسلامی، جمهوری، ظرف و اسلام، محتوا است. همچنین شهید باهنر نیز در دفاع از مفهوم جمهوری اسلامی چنین استدلالی را پذیرفته‌اند:

حکومت اسلامی یک مفهومی است که با شرایط مختلف ممکن است، در قالب‌های گوناگون پیاده شود. اساساً، حکومت اسلامی به معنای این است که اسلام در حوزه قانون‌گذاری نفوذ داشته باشد و در حوزه اجرایی و قضایی هم رهبری اسلامی حضور داشته باشد، ضمن اینکه آزادی‌های مردم رعایت گردد. ... بنابراین جمهوری اسلامی یک شیوه تحقیق و پیاده شدن از حکومت اسلامی است.^۲

آیت‌الله خامنه‌ای نیز با طرح بحث «مردم‌سالاری دینی» به سازگاری و هم‌نشینی دموکراسی و آموزه‌های اسلام معتقد است. وی ضمن آنکه جمهوری اسلامی را با مردم‌سالاری دینی مترادف می‌داند، به معرفی و تبیین این سازگاری می‌پردازد:

اصل مردم‌سالاری دینی بر نقش تعیین‌کننده مردم در سرنوشت سیاسی و حکومت در چارچوب مبانی اسلام تأکید می‌کند که بر گرفته از آموزه‌های مرفقی اسلام درباره حقوق ملت، کنترل قدرت، نظارت بر حاکمان و مشارکت مردم است. این اصل مهم و بنیادین با دموکراسی سازگار است.^۳

در کنار دیدگاه‌های امام و پیروان ایشان، دیدگاه‌های دیگری نیز وجود داشت. برخی مانند مهندس بازرگان از نظریه جمهوری دموکراتیک اسلامی حمایت می‌کردند و اضافه کردن کلمه دموکراسی را برای جمهوری اسلامی

۱. همان، ج ۴، ص ۱۵۷.

۲. محمد جواد باهنر، انقلاب فرهنگی، ص ۷۱.

۳. دولت و فرهنگ دینی بر اساس دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ص ۱۸۶.

ضروری می‌دانستند. دیگرانی هم بودند که اساساً خواستار حذف واژه اسلامی از جمهوری بودند. آن‌ها عنوان جمهوری اسلامی را مبهم و معجونی از یک کلمه سنتی و یک کلمه خارجی و دارای تضاد شدید دانسته، معتقد بودند؛ جمهوری، قوانین الهی را رد می‌کند؛ چرا که منشأ آن ملت و مردم است. ولی قوانین الهی تغییرناپذیرند. یا جمهوری اسلامی را مجهول مطلق تفسیر می‌کردند و امکان آشتی بین جمهوری و اسلام را ناشدنی تلقی می‌کردند.^۱

سطح و نسبت مناقشه‌های مفهومی و تئوریک مردم‌سالاری دینی در پرتو تحولات سیاسی ایران به‌ویژه در شرایط پس از جنگ و تحولات جهانی در سایه فروپاشی شوروی سابق و ادعای پایان تاریخ لیبرال دموکراسی، هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی رشد چشم‌گیری داشته است و تا حدود زیادی به دغدغه بخش زیادی از دانشوران سیاسی ایرانی و اسلامی تبدیل شده است.

مروری بر برخی دیدگاه‌ها و مناقشه‌ها درباره مردم‌سالاری دینی

برخی، مردم‌سالاری دینی را «تحول وجدان‌های پاک بشر که مجری و مجلای بروز و ظهور و اجرای اراده خداوند باشند»^۲ یا حکومت «فهم اجتهادی سیال دین که هماهنگ با احکام عقل جمعی است»^۳ یا در تعابیر کلی‌تر، حکومت مردم‌دین‌دار یا حکومت دین، به روش مردم‌سالارانه تعریف کرده‌اند. در حالی که توجه به نوع چالش‌های پیرامون این مفهوم، ناتوانی و ناکارآمدی این تعریف‌ها را روشن می‌سازد.

مخالفان «مردم‌سالاری دینی» با دلایل گوناگون از پذیرش چنین مفهومی امتناع می‌ورزند. یکی از چهره‌های مخالف مردم‌سالاری دینی معتقد است که مردم‌سالاری دینی، نوعی از انواع نظام‌های مردم‌سالاری نیست؛ مردم‌سالاری از حیث مبانی در تمام دنیا فقط یک نوع است. وی در ادامه می‌گوید: گذاشتن یا

۱. علی اکبر اشرفی، همایش مردم‌سالاری دینی، ج ۳، ص ۲۳.

۲. محمد تقی جعفری، حکمت اصول سیاسی اسلام، صص ۳۰۴-۲۹۷.

۳. عبدالکریم سروش، فربه‌تر از ایدئولوژی، صص ۲۸۳-۲۷۹.

نگذاشتن پسوند دینی، تغییری در ماهیت و محتوا نمی‌دهد و مهم نیست.^۱ برخی دیگر نیز از زاویه دفاع از دین به مخالفت با دموکراسی اسلامی یا مردم‌سالاری دینی پرداخته‌اند و معتقدند؛ ملازمه‌ای ذاتی بین این دو وجود ندارد. برخی از تنافض‌ها و پارادوکس‌هایی که این گروه بین اسلام و دموکراسی بر شمرده‌اند به شکل زیر است:

دموکراسی ثمره اندیشه انسان، در حالی که اسلام وحی خداوند است.
حکومت در دموکراسی، مردم‌سالاری و در اسلام شریعت‌سالاری است.
در دموکراسی، مردم مصدر قوانین هستند، حال آنکه در اسلام شریعت مصدر قوانین است.

در نظام دموکراسی، اندیشه لائیک، ولی در اسلام شرع حاکم است.
در دموکراسی، حکومت از آن اکثریت، ولی در اسلام از آن شرع است.^۲ کسانی دیگر از موضع دفاع از دموکراسی، به مردم‌سالاری دینی تاخته‌اند و با نگرشی ایدئولوژیک معتقدند؛ برای قائلان به دموکراسی، دموکراسی در اولویت است و هیچ اصلی که دموکراسی را خدشه‌دار کند، پذیرفته نیست. این فقط شامل دین و مذهب نمی‌شود، بلکه شامل هر نوع ایدئولوژی دیگر هم می‌شود. این عده و در نهایت مفهوم «مردم‌سالاری دینی» را یک بدعت در علم سیاست می‌دانند که مانند سایر بدعت‌ها در علم سیاست، عاقبت خوشی نخواهد داشت.^۳

برخی دیگر نیز مدعی‌اند «مردم‌سالاری» و «دین» هر دو دال‌هایی^۴ با مدلول‌هایی^۵ مشخص و ثابت هستند؛ این دوگفت‌مان به مقتضای خصوصیات گوهری خود، غیرقابل تطابق و هم‌پوشانی هستند. در تحلیل نهایی، یکی از این دو باید عرصه را به نفع دیگری ترک کند ... در نزاع دموکراسی و دین سرانجام

۱. ابراهیم یزدی، *مجله آفتاب*، شماره ۲۲، بهمن ۱۳۸۱، ص ۲۳.

۲. غلام رضا بصیرینا، *نسبت دموکراسی و مکتب‌های سیاسی*، صص ۹۵-۹۶.

۳. خشایار دیهیمی، «مردم‌سالاری دینی؛ بدعت در علم سیاست»، *ماهنامه آفتاب*، شماره ۲۲،

سال ۱۳۸۱، ص ۲۷.

یکی پیروز خواهد شد و جمع میان این دو ممکن نیست.^۱
در این میان کسانی نیز هستند که با منطق، «نه این و نه آن؛ و هم این و هم آن» نظریه‌هایی را که اسلام را به علت خصیصه‌ها و ویژگی‌های ذاتی خود، نمی‌تواند پذیرای هیچ گونه مناسبت‌ها و روابط مردم‌سالارانه باشد، بی‌بنیان اعلام می‌کنند. این افراد همچنین، نظریه کسانی که رابطه این همانی میان این دو مفهوم - مردم‌سالاری و دین - برقرار می‌نمایند را، مردود می‌شمارند و در نهایت اعلام می‌کنند:

دین و دموکراسی مقتضی و ملازم یکدیگرند و دین بدون دموکراسی و دموکراسی بدون دین، جز به تباهی و گمراهی انسان و جوامع انسانی ره نمی‌برد.^۲

نویسنده «مردم‌سالاری دینی» به سوی یک گفتمان مسلط، صورت‌بندی‌های گوناگون تئوریک در این باره را به تصویر می‌کشد و گرایش‌های گفتمان‌های متفاوت را شرح و توضیح می‌دهد:

به‌رغم گذشت چند دهه از ورود مفهوم «دموکراسی دینی» و «مردم‌سالاری دینی» به حريم ادبیات سیاسی مسلمانان، اجماع نظری پیرامون آن حاصل نشده است و بسیاری از اندیشمندان مسلمان با چشم تردید بدان می‌نگرند؛ عده‌ای این مفهوم ترکیبی را محصول آموزه‌های تخیلی و تحریفی روشنفکران دینی می‌پندارند؛ برخی دیگر به شبیه‌سازی آن با گفتمان لیبرال دموکراسی غرب می‌پردازند؛ بعضی مردمان، مردم‌سالاری دینی را از ملزومات جوامع مدرن دینی می‌پندارند؛ عده‌ای هم مردم‌سالاری دینی را عین دین واقعی تعریف می‌نمایند. برخی، در ورای این مفهوم، دست‌ناامیزی نوعی برداشت ابزاری از دین را جست‌وجو می‌کنند؛ عده‌ای نیز «مردم‌سالاری دینی» را با تئوکراسی دینی یکی پنداشته و گفتمان خود را پیرامون برداشتی واحد از این دو تقریر کرده‌اند و بالاخره برخی هم این مفهوم ترکیبی را غیر مفهوم و

۱. محمدرضا تاجیک، دین، دموکراسی و روشنفکری در ایران، ص ۱۳۵. (ز.ک: «مناظره» دکتر

بشیریه و سروش»، روزنامه جامعه، اردیبهشت ۷۷)

۲. همان، خاتمی، دین اجتماع و سیاست، ص ۸۸

پارادوکسیکال فرض می‌کنند.^۱

در حوزه نظری و مفهومی از میان پرسش‌های مهمی که به سختی مردم‌سالاری دینی را به چالش می‌کشد، سخن از نسبت این گفتمان با مه‌ار قدرت می‌باشد. به‌زعم بسیاری از مخالفان مردم‌سالاری دینی، قائل شدن ریشه الهی و دینی برای حکومت، به نظارت‌ناپذیری قدرت منجر و امکان کنترل مردم بر حاکمان و زمامداران خود به خود متفی می‌شود. چرا که در این تصور غلط، حکومت فقط باید به خداوند پاسخ‌گو باشد.

بنابراین، پاسخ به این پرسش که در مردم‌سالاری دینی، آیا مردم حق یا تکلیف نظارت بر قدرت دارند؟ یا حاکمان کنترل قدرت سیاسی را بر می‌تابند یا نه؟ جنبه تعیین‌کننده‌ای در پذیرش این مفهوم (مردم‌سالاری دینی) دارد و در رد یا قبول آن، امکان یا امتناع‌اش، نقش‌آفرین می‌باشد که محور نوشتار کنونی است.

مفروض‌ها، روش و سازماندهی تحقیق

در این تحقیق دیدگاه‌های امام خمینی رحمه‌الله با توجه به جایگاه ایشان به‌عنوان یک اسلام‌شناس و فقیه صاحب اجتهاد برجسته که هم طرح‌کننده و بسط‌دهنده نظریه مردم‌سالاری دینی (جمهوری اسلامی) است و هم کسی که بیش از یک دهه رهبری یک نظام سیاسی مبتنی بر این نظریه را عهده‌دار بوده، مبنای نظری مردم‌سالاری دینی فرض شده است.

دیدگاه‌های ایشان به دو صورت مراجعه مستقیم به آرای ایشان و نیز مراجعه به متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (به توضیح صص ۹۸-۱۰۰ مراجعه شود) به‌عنوان بخش الحاقی اندیشه امام، مبنای پژوهش قرار گرفته است. تلاش اصلی در این تحقیق، دادن بافتی تئوریک به اندیشه‌های امام خمینی رحمه‌الله درباره مه‌ار قدرت در مردم‌سالاری دینی می‌باشد.

روش تحقیق در این پژوهش، از نوع توصیفی - تحلیلی و با استفاده از

مطالعات کتابخانه‌ای می‌باشد. این تحقیق در دو فصل و یک نتیجه‌گیری سازماندهی شده است.

در فصل نخست و در پاسخ به پرسش مردم‌سالاری دینی چیست و شاخص‌های آن کدام است، تلاش می‌کنیم در ضمن روشن کردن قرائت‌های متفاوت درباره پرسش‌های بنیادی، به تصویر روشن و مورد قبول خویش از مردم‌سالاری دینی دست پیدا کنیم.

به نظر می‌رسد ریشه و مبنای داوری‌های متضاد درباره مفهوم مردم‌سالاری دینی، تابعی از تلقی‌ها و باورهای آنان نسبت به سه مفهوم و دانش واژه، کلیدی و اساسی باشد. دین، دموکراسی و مشروعیت، موضوع‌های اصلی در این ارتباط هستند.

با دانستن قرائت هریک از متفکران و اندیشمندان درباره آن‌ها، می‌توان انگاره وی را درباره «مردم‌سالاری دینی» پیش‌بینی و وی را در صف موافقان یا مخالفان آن دسته‌بندی و تقسیم کرد و نوع داوری و ارزش‌گذاری وی را فهمید. بر همین اساس برای تبیین روشن و شفاف از این مفهوم ضروری است به جای اکتفا کردن به برخی تعریف‌ها، بر اساس پرسش‌های بنیادی و پایه و مواجهه با آن‌ها، نسبت خویش را با مردم‌سالاری دینی بیان می‌کنیم.

علاوه بر این به نظر می‌رسد با طرح سه پرسش دیگر و پاسخ‌گویی به آن‌ها بر اساس رهیافت و رویکرد خویش به پرسش‌های بنیادین (دین، دموکراسی و مشروعیت)، می‌توان صورت‌بندی عینی و عملی از مفهوم «مردم‌سالاری دینی» را به تصویر کشید و گمان خود را در این ارتباط مشخص کرد. این پرسش‌ها عبارتند از این که در مردم‌سالاری دینی:

۱. بر چه کسانی حکومت می‌شود؟ (از چستی ارزش‌های مورد قبول و فراگیر جامعه پرسش می‌شود.)

۲. چگونه حکومت می‌کنند؟ (تحت کدام شرایط و بر اساس کدام مناسبت‌ها حکومت می‌کنند؟)

۳. چه کسانی حکومت می‌کنند؟ (پرسش از حاکمان و کارگزاران در این

نظام سیاسی است که بر اساس کدام ویژگی‌ها و شرایط به قدرت می‌رسند.) در فصل دوم با بررسی ضرورت مهار قدرت و تحلیل دیدگاه‌های گوناگون درباره مفهوم قدرت سیاسی، زوایه نگاه خویش به این مسئله را بیان می‌کنیم؛ و در ادامه و در بخش‌های دیگر فصل دوم بر اساس شاخص‌های عام استخراج شده در مردم‌سالاری دینی (فصل اول)، چهار شاخص:

مشارکت در قدرت (انتخابات)؛ توزیع قدرت؛ نقد و نظارت بر قدرت؛ عزل از قدرت را به عنوان شاخص‌های مهار قدرت در بررسی نسبت آن (مهار قدرت) با مردم‌سالاری دینی به خدمت می‌گیریم.

در دل این شاخص‌های چهارگانه، عموم موضوعات مرتبط با مهار قدرت و مردم‌سالاری دینی مانند اصل پاسخ‌گویی حاکمان، ضرورت آزادی بیان، انتخاب مردم و همچنین مسئله توزیع قدرت را نیز بحث خواهیم کرد.